



Genealogy, Validation, and Basis of the Narrative of the Order of Revelation According to Jābir ibn Zayd

Saeedeh Jannesari¹ | Amīr Aḥmadnezhād² | Moḥammad ‘Alī Maḥdavi Rād³

1. PhD Student in Qur’ān Sciences and Ḥadīth, Faculty of Theology and the Teachings of the Ahl-al-Bayt, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: jannesari66@gmail.com
2. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Qur’ānic Sciences and Ḥadīth, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: ahmadnezhad@ltr.ui.ac.ir
3. Professor, Department of Qur’ānic Sciences and Ḥadīth, Farabi Campus, University of Tehran, Qom, Iran. Email: mahdavirad@ut.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received 16 April 2024

Received in revised form 24 February 2025

Accepted 20 September 2024

Available online 24 September 2024

Keywords:

Qur’ān, Order of Revelation, Jābir ibn Zayd’s Narrative, Genealogy, Validation, Foundation.



ABSTRACT

The list of the order of revelation according to Jābir ibn Zayd represents one of the notable hadith-based chronologies in the dating of the Qur’ān. A majority of Qur’ānic scholars, when reporting or utilizing this order, primarily reference al-Itqān by Suyūṭī, disregarding other sources and versions of this narration. However, this narrative has been transmitted in earlier sources, such as al-Bayān fī ‘Adad Ayāt al-Qur’ān by Abū ‘Amr al-Dānī, through different chains of transmission and with a more complete text. Furthermore, discrepancies and omissions in various manuscripts and printed editions of al-Itqān have occurred, leading to erroneous assumptions in contemporary works that this list lacks certain surahs such as al-Nūr, al-Hujurāt, and al-‘Adiyāt. Additionally, the list in al-Itqān includes al-Fātiḥah, and several Qur’ānic scholars have used this version to date the revelation of al-Fātiḥah. Investigating the various texts of Jābir’s narration across different sources reveals that the inclusion of al-Fātiḥah in this list might be the result of subsequent scholarly interpretations. This article, by consulting the oldest available manuscripts and sources, introduces the sources of Jābir ibn Zayd’s narration and conducts a genealogical analysis, comparing different hadith lists, to explore the nature, validity, and foundational principles of this chronology. The findings demonstrate that some minor discrepancies in Jābir’s list compared to other hadith-based lists could be attributed to errors in transmission or transcription. However, significant differences, such as the placement of Sūrah al-Mā’idah among the earliest Medinan surahs and the omissions and additions concerning Sūrah al-Fātiḥah, cannot be explained as mere errors. These divergences likely arise from deliberate scholarly interpretation and adjustments in the foundational list in favor of alternative opinions.

Cite this article: Jannasari, S.; Aḥmadnejād, A.; Maḥdavi Rād, M., A. (2024). Genealogy, Validation, and Basis of the Narrative of the Order of Revelation According to Jābir ibn Zayd. *Quranic Doctrines*, 21(40), 107-138. <https://doi.org/10.30513/qd.2024.5979.2365>



تبارشناسی، اعتبارسنجی و مبنایابی روایت ترتیب نزول جابر بن زید

سعیده جان‌نثاری^۱ | امیر احمدنژاد^۲ | محمدعلی مهدوی راد^۳

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اهل‌بیت(ع)، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

رایانامه: jannesari66@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه:

ahmadnezhad@tr.ui.ac.ir

۳. استاد، گروه علوم قرآن و حدیث، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران. رایانامه: mahdavirad@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۱۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۲۰ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۶/۲۴ کلیدواژه‌ها: قرآن، فهرست ترتیب نزول، روایت جابر بن زید، تبارشناسی، اعتبارسنجی، مبنایابی.	فهرست ترتیب نزول جابر بن زید یکی از فهرست‌های روایی مطرح در تاریخ‌گذاری قرآن است. غالب قرآن‌پژوهان برای گزارش یا استفاده از این ترتیب، فقط به الاتقان سیوطی مراجعه می‌کنند و از سایر منابع و تحریرهای این روایت غافل‌اند. حال آن‌که این روایت در منابع کهن‌تری چون البیان فی عدای القرآن ابوعمر و دانی، از طریق دیگر و با متنی کامل‌تر نقل شده است. علاوه بر این، در نسخ مختلف مخطوط و مطبوع الاتقان، در ثبت فهرست جابر سهو و جاافتادگی رخ داده است. اکتفا و اعتماد به یک نسخه چاپی از الاتقان باعث شده است که این گونه خطاها در کتب و مقالات معاصر بازنشر شود و تصور گردد این فهرست فاقد برخی سور مانند نور، حجرات و عادیات است. همچنین فهرست جابر در الاتقان دارای سورة حمد است و برخی قرآن‌پژوهان از این روایت برای تاریخ‌گذاری سورة حمد استفاده می‌کنند. بررسی تحریرهای مختلف روایت جابر در سایر منابع نشان می‌دهد که جای‌گذاری سورة حمد در این فهرست ممکن است حاصل اجتهاد راویان بعدی باشد. این مقاله با جست‌وجو در نسخ کهن‌ترین منابع موجود، ضمن معرفی منابع روایت جابر بن زید، با تبارشناسی و مقایسه فهرست‌های روایی، به دنبال کشف ماهیت، اعتبار و مبنای این فهرست است. بررسی‌ها نشان می‌دهد بعضی از اختلافات جزئی در فهرست جابر نسبت به سایر فهرست‌های روایی می‌تواند ناشی از اشتباه در نقل یا کتابت باشد، اما پاره‌ای اختلافات مانند جای‌گذاری سورة مانده در شمار اولین سور مدنی و حذف و اضافه سورة حمد، با خطای سهوی قابل توجیه نیست. این نوع از اختلافات فقط می‌تواند ناشی از اجتهاد و تغییر عمدی در فهرست پایه به دلیل ترجیح دیگر اقوال باشد.

استناد: جان‌نثاری، سعیده؛ احمدنژاد، امیر؛ مهدوی راد، محمدعلی. (۱۴۰۳). تبارشناسی، اعتبارسنجی و مبنایابی روایت ترتیب نزول جابر بن زید. آموزه‌های قرآنی، ۲۱(۴۰)، ۱۰۷-۱۳۸.

<https://doi.org/10.30513/qd.2024.5979.2365>

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.



© نویسندگان.

مقدمه

بیان مسئله: فهرست ترتیب نزول سوره‌های قرآن از شماری از صحابه و تابعان نقل شده است که از حیث ترتیب و محتوای روایات با یکدیگر اختلافاتی دارند. برخی از این فهرست‌ها نیز با سند و طریق مشابه در چند منبع نقل شده‌اند که از حیث متن روایت با یکدیگر مطابقت کامل ندارند. اجتهاد قائلان، راویان و مؤلفان و نیز خطای نقل و استنساخ را می‌توان از عوامل اختلاف ترتیب سور در این روایات برشمرد. برای سنجش اصالت و اعتبار این فهرست‌ها لازم است ابتدا منابع متعددی که این روایات را نقل کرده‌اند کشف شوند و سپس با دقت در اسناد و متن روایات و مقایسه با سایر فهرست‌های روایی، تبار، اعتبار و مبنای فهرست‌ها بررسی شود.

بر اساس روایاتی که به ما رسیده است، می‌توان گفت اولین اثری که سوره‌های قرآن را به ترتیب نزول ثبت کرده است، مصحف امام علی (ع) است (نکونام، ۱۳۷۳، ص ۸۲). پس از آن نیز فهرست ترتیب نزول سوره‌ها در کتاب ابن عباس (بلاذری، ۱۹۵۹، ج ۱، ص ۱۰۹؛ ابن‌العربی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۲) گزارش شده است. اما این مصاحف و کتب اولیه در دسترس ما قرار ندارند. آنچه به ما رسیده، روایات متعددی از طریق تابعان و اتباع ایشان است که یا به تصریح سند از امام علی (ع) یا ابن عباس نقل شده و یا تصریح نشده است که ایشان از چه کسی فهرست را اخذ کرده‌اند. فهرست جابر بن زید از گونه دوم است، یعنی در سند روایت او، نامی از ابن عباس یا صحابی دیگری نیامده است و بنابراین، در اصطلاح علم حدیث به آن، حدیث مقطوع می‌گویند (مسعودی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۹). البته باید توجه داشت اطلاق عنوان حدیث به این فهرست و اصطلاح مقطوع به سند آن، با این فرض صحیح است که جابر بن زید این ترتیب را در اصل از یکی از صحابه نقل کرده باشد، نه این که فهرست او حاصل اجتهاد یا گزینش و تدوین او از دیگر اقوال و روایات باشد.

فهرست جابر در الاتقان سیوطی دارای سوره حمد است، درحالی که اکثر فهرست‌های روایی فاقد سوره حمد می‌باشند. این ویژگی سبب شده است محققان و مؤلفان برای تاریخ‌گذاری سوره حمد به این فهرست استناد کنند. برای نمونه، ملاحویش

آل غازی در تفسیر تنزیلی خود، بیان المعانی و آیت‌الله معرفت در التمهید، با استفاده از ترتیب جابر فهرست ترتیب نزول ابن عباس را تکمیل کرده‌اند تا فهرستی کامل ارائه دهند (آل غازی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۱۴؛ معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۶۷). ابن عاشور نیز به فهرست جابر و قصیده برهان جعبری در الانتقان توجه ویژه‌ای دارد. او مرجع ترتیب نزول سور مکی و مدنی را سه روایت می‌داند: روایت مجاهد از ابن عباس، روایت عطاء خراسانی از ابن عباس و روایت جابر بن زید که از نظر او این نیز نمی‌تواند جز از ابن عباس باشد. به گفته ابن عاشور، جعبری در قصیده خود به این روایت اعتماد کرده و سیوطی آن را در الانتقان آورده است (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۱، ص ۹۰). او در جای‌جای تفسیر خود، التحریر و التویر، به این روایت و قصیده استناد کرده است (برای نمونه: ابن عاشور، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۵۷، ج ۲۴، ص ۸۱، ج ۲۶، ص ۲۳، ۲۶، ص ۲۷۵). دلیل شهرت این فهرست را بیش از همه می‌توان در شهرت و دسترسی به کتاب الانتقان سیوطی جست. اما فهرست الانتقان کامل نیست و جافتادگی‌های زیادی دارد. علاوه بر این، نسخه‌های متعددی از الانتقان سیوطی هست که در ثبت روایت جابر دقت کافی ندارند و نسبت به متن اصیل الانتقان جافتادگی‌های بیشتری دارند (برای مثال، نک: سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۱۱۰). در بسیاری از کتب و مقالات، در گزارش و استفاده از فهرست جابر تنها به یک نسخه چاپی از الانتقان مراجعه شده و با اعتماد به آن، فهرستی همراه با اشتباهات سهوی و کاستی، منعکس و منتشر گردیده است.

در این تحقیق، برای معرفی منابع روایت ترتیب نزول جابر بن زید و تحریرهای دیگر این فهرست، کهن‌ترین منابع موجود که فهرست جابر را نقل کرده‌اند جست‌وجو شده‌اند و سند و محتوای آن‌ها با یکدیگر مقایسه می‌شوند. به دلیل امکان خطای استنساخ، به‌خصوص جافتادگی هنگام نوشتن نام سور در فهرست، مقایسه نسخه مختلف خطی یا محقق و مطبوع از نسخه‌های مخطوط می‌تواند به تصحیح فهرست و کشف متن اصیل روایت کمک کند. در مرحله بعد، روایت ترتیب نزول جابر از حیث سند و محتوا با سایر روایات ترتیب نزول که با همین روش به دست آمده‌اند مقایسه شده تا به ریشه‌های مشترک میان این فهرست و سایر فهرست‌های روایی پی برده شود. سپس تلاش شده است مبنای اختلاف میان روایت جابر با سایر روایات ترتیب نزول کشف گردد و در نهایت، از رهگذر

تبارشناسی این روایت، دربارهٔ ریشه، اصالت، مبنا و اعتبار آن، به‌نحو قابل اثبات قضاوت شود.

پیشینه تحقیق: در تألیفاتی که ضمن مباحث علوم قرآنی، تفسیر یا به‌طور مستقل به گزارش فهرست‌های روایی پرداخته‌اند، اگر به فهرست جابر بن زید اشاره شده باشد تنها به کتاب الاتقان سیوطی و قصیدهٔ جعبری که در همین کتاب آمده، استناد شده و از سایر منابع این روایت سخنی به میان نیامده است (برای نمونه: نک: ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۱، ص ۹۰؛ معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۶۷؛ رامیار، ۱۳۸۴، ص ۶۶۴؛ نکونام، ۱۳۸۰، ص ۱۲۸-۱۳۳؛ نزال، ۱۴۲۷، ص ۵۲؛ اقبال، ۱۳۹۴). در میان تحقیقات انجام‌شده بر روی فهرست‌های نقلی می‌توان گفت گزارش دکتر محمود رامیار در کتاب تاریخ قرآن، گزارش و تحقیق دکتر جعفر نکونام در رسالهٔ دکتری و کتاب درآمدی بر تاریخگذاری قرآن و گزارش‌های عمران سمیع نزال و دکتر احمد شکری در دو کتاب الوحدة التاريخية للسور القرآنی و علم تاریخ نزول آیات القرآن الکریم و سوره از کامل‌ترین تحقیقات معاصر در این زمینه است. در این تألیفات به گزارش روایات از چند منبع بسنده شده و نسبت میان فهرست‌های روایی به‌صورتی کلی از نظر مؤلف مطرح شده است. تنها مرجع فهرست جابر در این آثار الاتقان سیوطی است و متأسفانه از نسخ محقق و مطبوعی از الاتقان استفاده کرده‌اند که علاوه بر سوره‌های جافتاده در فهرست الاتقان، سوره‌های نور و حجرات را نیز از قلم انداخته است. بنابراین در گزارش‌ها و جداول فهرست‌های ترتیب نزول در این کتب، ذیل ترتیب جابر، علاوه بر سورهٔ ابراهیم و ده سورهٔ مدنی، مقابل این دو سوره نیز علامت «-» قرار داده شده است (رامیار، ۱۳۸۴، بخش ملحقات، ص ۶۷۰ تا ۶۸۲؛ نکونام، ۱۳۸۰، ص ۳۰۳ تا ۳۰۷؛ نزال و شکری، ۱۴۲۳، ص ۷۷؛ نزال، ۱۴۲۷، ص ۵۲). تئودور نولدکه، اسلام‌پژوه آلمانی نیز در تاریخ قرآن خود به روایت جابر اشاره کرده و تنها منبع او الاتقان سیوطی است. او از نسخهٔ چاپ کلکته (سیوطی، ۱۸۵۲) استفاده کرده است (Noldeke, 2013, p.634) که جافتادگی‌های آن بیش از نسخهٔ خطی اصلی الاتقان نیست، هرچند در کتاب نولدکه، حداقل نسخهٔ انگلیسی مرجع این پژوهش، شمارهٔ سورهٔ نبأ یعنی ۷۸ از قلم افتاده است (Noldeke, 2013, p.50). نولدکه و به‌تبع او محققان غربی دیگر چون رژی بلاشر و نیول رابینسون تصور کرده‌اند جابر بن زید این ترتیب را از امام علی(ع) نقل کرده است (بلاشر، ۱۳۷۶، ص ۲۷۲؛

Robinson, 2003, p.71). علاوه بر کتب تألیفی، در مقالات پژوهشی نیز به موضوع روایات ترتیب نزول پرداخته شده یا ضمن بررسی زمان نزول یک سوره گزارش مختصری از فهرست‌های نقلی نیز ارائه گردیده است. مراجعه و اعتماد به تنها یک نسخه مطبوع در این پژوهش‌های علمی نیز دیده می‌شود. به عنوان نمونه، برای بررسی مکی یا مدنی بودن سوره عادیات در دو مقاله به بررسی جایگاه این سوره در روایات ترتیب نزول پرداخته شده است. در هر دو مقاله به نسخه‌ای از الانتقان مراجعه شده است که سوره عادیات را در فهرست جابر از قلم انداخته است (جدی؛ اقبال، ۱۳۹۶؛ سلمان‌زاده، ۱۳۹۹).

در بررسی پیشینه تحقیق، تا جایی که توفیق حاصل شد، تنها سه اثر برای روایت جابر به منبعی جز الانتقان استناد شده است: معجم علوم القرآن، تألیف ابراهیم محمد الجرمی (جرمی، ۱۴۲۲، ص ۸۷)، نوشتاری تحت عنوان المکی و المدنی تألیف دکتر محمد شفاعت ربانی (ربانی، بی‌تا، ص ۶) و تفسیر افنان (مقدمه جلد اول)، تألیف دکتر محمد سلطانی رنانی که به روایت ابوعمر و دانی در کتاب البیان اشاره کرده‌اند (سلطانی رنانی، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۱۹). هیچ کدام از این سه اثر، فهرست جابر را آن‌طور که در کتاب البیان دانی آمده است نقل نکرده‌اند.

در پژوهش حاضر تلاش شده است که پیشینه به‌طور کامل بررسی گردد. بررسی پیشینه نشان می‌دهد روایت جابر و قصیده جعبری بیش از همه از طریق الانتقان سیوطی شناخته شده و غالباً به نقل از آن، همراه با کاستی‌های محتوای فهرست و گاه با جافتادگی‌های بیشتر گزارش شده است. در میان این آثار، هیچ پژوهشی در تحلیل و بررسی تبار و مبنای این فهرست و سنجش اعتبار آن انجام نشده است و می‌توان گفت نوشتار حاضر اولین پژوهش مستقل درباره ترتیب جابر بن زید است.

۱. درباره جابر بن زید

ابوالشعثاء جابر بن زید الأزدی الیحمدی، از محدثان و فقهای تابعان است که او را همراه با حسن بصری و ابن سیرین از علمای اهل بصره در زمانه خود برشمرده‌اند (ذهبی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۴۸۲). جابر در حدود سال ۱۸ تا ۲۲ هجری در عمان به دنیا آمد. سپس به بصره مهاجرت کرد (ضیایی، ۱۳۹۰، ص ۷۶). از او به عنوان مفتی اهل عمان در بصره یاد شده

است. او را مردی ثقه، خردمند، عالم در کتاب خدا و مهم‌ترین فقیه پس از حسن بصری برشمرده‌اند. عطاء از ابن عباس نقل کرده که گفته است اگر مردم بصره به آنچه جابر بن زید می‌گوید گوش فرا می‌دادند، قطعاً علمشان را نسبت به آنچه در کتاب خداست گسترش می‌داد (بخاری، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۴؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۱۳۳). شهرت جابر بیشتر به‌عنوان فقیه و مفتی است و غالب روایات و آثار او در حوزه فقه است. او از شاگردان کبار ابن عباس است و بیش از همه، از او روایت کرده است. گفته شده که جابر اباضی‌مذهب است، اما گزارش‌هایی نیز وجود دارد که او از اباضیه بیزاری جسته است (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۱۳۴). اباضیه فرقه‌ای میانه‌رو از انشعابات خوارج و تنها باقی‌مانده آن مذهب شناخته می‌شود، اما اباضیان به‌صراحت از جریان انحرافی خوارج تبری می‌جویند (ضیایی، ۱۳۹۰، ص ۱۹). در واقع، پیوند تاریخی اباضیه با خوارج، عملکرد مشابه در برخی مناسبات سیاسی و به گفته اباضیان، تشابه ناخواسته افکار و اعتقادات ایشان با خوارج سبب گردیده است اباضیه را فرقه‌ای از خوارج بدانند. نخستین خاستگاه اباضیه کشور عمان و قبیله ازد است (ضیایی، ۱۳۹۰، ص ۷۴-۷۸). جابر در سال ۹۳ و به قولی در سال ۱۰۳ هجری قمری در بصره از دنیا رفت. قتاده در روز فوت جابر گفت امروز علم اهل بصره (یا به قولی عالم عراق) دفن شد (ذهبی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۴۸۲).

۲. ردیابی روایت ترتیب نزول جابر بن زید در منابع کهن

در میان آثار موجود، تا آن‌جا که نویسندگان مقاله حاضر توفیق دستیابی یافته‌اند، روایت ترتیب نزول جابر بن زید در ده قرن نخست، در منابع زیر آمده است:

جزء مشهور محمد بن الحارث بن ابی‌ض، متوفای ۳۴۳ق (به این منبع دست نیافتیم)؛

البیان فی عدّ آی القرآن اثر ابوعمرو دانی، متوفای ۴۴۴ق (دانی، ۲۰۱۱، ص ۱۷۱)؛

المدد فی معرفة العدد اثر ابراهیم بن عمر جعبری، متوفای ۷۳۲ق (جعبری، ۱۴۳۱،

ص ۲۹۲؛ جعبری، ۲۰۰۵، ص ۴۹)؛

قصیده تقریب المأمول فی ترتیب النزول اثر ابراهیم بن عمر جعبری (جعبری، نسخه

خطی)؛

مساعد النظر للإشراف على مقاصد السور اثر ابراهيم بن عمر بقاعى، متوفى ۸۸۵هـ به نقل از منبع دوم (بقاعى، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۶۴)؛
الإتقان فى علوم القرآن تأليف جلال الدين سيوطى، متوفى ۹۱۱ق.
با استناد به منبع اول (سيوطى، نسخه خطى اول، تصوير هيجدهم: سيوطى، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۱۶۷).
سيوطى در كتاب ترتيب سور القرآن خود نيز به اين روايت استناد کرده و از آن، سواى ترتيب ابن عباس ياد نموده است (سيوطى، ۲۰۰۰، ص ۷۶، ۸۷، ۹۶، ۱۱۰، ۱۳۸).

۲-۱. منبع اول: البيان فى عدّ آى القرآن

البيان فى عدّ آى القرآن، اثر ابو عمرو عثمان بن سعيد الدانى (۳۷۱ - ۴۴۴ق)، مقرى و محدث بزرگ مالکى قرن چهارم و پنجم است (ذهبى، ۱۴۲۲، ج ۱۸، ص ۷۷). دانى در اين كتاب به گردآورى روايات، سنن و آثار متعدد پيرامون مباحثى چون تعداد آيات، تعداد كلمات و تعداد حروف كل قرآن و روايات مكى و مدنى پرداخته است. سپس به ترتيب مصحف، ويژگى‌هاى زمان نزول سوره و اقوال مختلف در آيات استثنائى آن و نيز ويژگى‌هاى آمارى سوره و فواصل آن را آورده است (دانى، ۲۰۱۱). نام كامل اين كتاب البيان عن اختلاف أئمة أهل الأمصار واتفاقهم فى عدد آى القرآن است (بقاعى، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۶۲)، اما علمائى تفسير براى اختصار از آن با عنوان «كتاب العدد» ياد مى‌كنند (براى نمونه: آلوسى، بى‌تا، ج ۱۴، ص ۹۰؛ ابن عاشور، بى‌تا، ج ۱، ص ۷۷).
در «باب ذكر المكي والمدني من القرآن» در اين كتاب، ميان روايات مكى-مدنى، روايت جابر بن زيد نيز گزارش شده است:

قال الحافظ أخبرنا فارس بن أحمد قال أنا أحمد بن محمد قال أنا أحمد بن عثمان قال أنا الفضل قال أنا أحمد بن يزيد قال أنا أبو كامل فضيل بن حسين^۱
قال أنا حسان بن إبراهيم قال أنا أمية الأزدى عن جابر بن زيد قال...:
أنزل على النبي من القرآن أول ما أنزل بمكة اقرأ باسم ربك الذى خلق ثم ن

^۱. محقق اين كتاب مى‌گويد در اصل مخطوط «حصين» بوده است، اما اين تصحيح است و درست آن حسين است، زيرا ابن حجر عسقلانى در تقريب التهذيب او را «فضيل بن حسين» معرفى کرده است (دانى، ۲۰۱۱، ص ۱۷۱، پاورقى). در مقاصد بقاعى كه از البيان داني رونوشت کرده نيز خواهيم ديد اين راوى فضيل بن حصين نوشته شده است.

والقلم ثم یا أیها المزمّل ثم یا أیها المدثر ثم تبّت یداً أبی لهب ثم إذا الشّمس
 کورت ثم سبح اسم ربک الأعلى ثم واللّیل إذا بغیثی ثم والفجر ثم والضّحی ثم
 ألم نشرح ثم والعصر ثم والعادیات ثم إنّنا أعطیناک الکوثر ثم ألهاکم التکاثر ثم
 أرایت الذی یکذب باللّین ثم قل یا أیها الکافرونّ ثم ألم تر کیف فعل ربک ثم
 قل أعوذ بربّ الفلق ثم قل أعوذ بربّ النّاس ثم قل هو الله أحد ثم والنجم إذا
 هوی ثم عبس وتوّلى ثم إنّنا أنزلناه ثم والشّمس وضّحّاها ثم والسّماء ذات
 البروج ثم والتین ثم لإیلاف فُریش ثم القارعة ثم لا أقسم بیوم القيامة ثم ویل
 لکل همزة ثم والمرسلات ثم ق والقرآن المجید ثم لا أقسم بهذا البلد ثم
 والسّماء والطارق ثم افتتیت السّاعة ثم ص والقرآن ثم الأعزاف ثم الجنّ ثم
 یس ثم الفرقان ثم الملائکة ثم مزیم ثم طه ثم الواقعة ثم طسم الشّعراء ثم
 طس النّمل ثم طسم القَصص ثم بنی اسرائیل ثم التّاسعة یعنی یونس ثم هود
 ثم یوسف ثم الحجر ثم الأنعام ثم الصافات ثم لقمان ثم سبأ ثم الزمر ثم حم
 المؤمن ثم حم السّجدة ثم حم الزخرف ثم حم الدّخان ثم الجاثیة ثم
 الأحقاف ثم والذاریات ثم هل أتاک حدیث الغاشیة ثم الکهف ثم حم عسق
 ثم إبراهیم ثم الذّبیاء ثم النّحل أزیعیئ آیه وبقیّتها بالمَدِینَةِ ثم تنزیل السّجدة
 ثم إنّنا أرسلنا ثم والطور ثم المؤمنون ثم تبارک الذی بیده الملک ثم الحاقّة ثم
 سأل سائل ثم عمّ یتساءلون ثم والنازعات ثم إذا السّماء انفطرت ثم إذا
 السّماء انشقت ثم الزّوم ثم العنکبوت ثم ویل للمطّفّین.

فذلک ما أنزل علیه بمکة خمس وثمانون سورة إلّا من سورة النّحل فإنّه أنزل
 علیه بمکة أزیعون آیه وبقیّتها بالمَدِینَةِ. وما أنزل بالمَدِینَةِ ثمان وعشرون
 سورة سوى سورة النّحل فإنّه أنزل بمکة من سورة النّحل أزیعون آیه وبقیّتها
 بالمَدِینَةِ.

وأنزل علیه بعد ما قدم المَدِینَةِ سورة البقرة ثم آل عمران ثم الأنفال ثم
 الأحزاب ثم المائدة ثم الممتحنة ثم النّساء ثم إذا زلزلت ثم الحدید ثم سورة
 محمّد ثم الرّعد ثم الرّحمن ثم هل أتى علی الإنسان ثم سورة النّساء القصری
 ثم لم یکن الذّین کفروا ثم الحشر ثم إذا جاء نصر الله والفّتح ثم النور ثم

الْحَجَّ ثُمَّ الْمُتَأَفِّفُونَ ثُمَّ الْمَجَادِلَةُ ثُمَّ الْحَجَرَاتُ ثُمَّ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ
الْجُمُعَةَ ثُمَّ التَّغَابُنُ ثُمَّ سَبِّحِ الْحَوَارِيُونَ ثُمَّ إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا ثُمَّ التَّوْبَةُ ثُمَّ
خَاتِمَةُ الْفُرْقَانِ. فَذَلِكَ ثَمَانٍ وَعِشْرُونَ سُورَةً (دانی، ۲۰۱۱: ۱۷۱ - ۱۷۲).

طبق سند این روایت، ترتیب جابر را شخصی به نام امیه الأزدی که با او هم‌قبیله است
روایت کرده است. طریق حسان از امیه از جابر را در روایات دیگری نیز می‌توان دید.^۱
این فهرست جافتدگی یا تکرار اشتباه ندارد. طبق تصریح متن کتاب، ۸۵ سوره
نام‌برده در مکه و ۲۸ سوره در مدینه نازل شده، مگر سوره نحل که چهل آیه آن در مکه
و بقیه در مدینه نازل شده است. در این روایت نیز مشابه بسیاری دیگر از فهرست‌های
روایی، سوره حمد در فهرست نیامده و تعداد سوره‌ها ۱۱۳ سوره است.

نام‌گذاری سوره طلاق به نام «النساء القصری» در این روایت، در میان فهرست‌های
ترتیب نزول منحصره‌فرد است. سیوطی در مورد سوره طلاق می‌گوید که ابن مسعود آن را
نساء القصری نامیده است (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۲۰۱). دیگر نام‌گذاری‌های خاص این
روایت عبارت‌اند از: سوره یونس با عبارت «التَّاسِعَةُ يَعْنِي يُونُسَ» که تنها در روایت
عکرمه و حسن بصری مشابه آن آمده و سوره صف با عبارت «سَبِّحِ الْحَوَارِيُونَ» که مشابه
آن در روایت گریب^۲ و عطاء خراسانی، با عناوین «الحواریون» و «الحواریین» آمده است
(ابن‌العربی، ۱۴۲۷، ص ۱۷؛ ابن‌ضریس، ۱۴۰۸، ص ۳۴؛ ابن‌الندیم، ۱۴۱۷، ص ۳۸). در انتهای سور
مدنی در این روایت (در نسخه مرجع مقاله) بعد از سوره توبه عبارت «ثُمَّ خَاتِمَةُ الْفُرْقَانِ»
آمده است.

عبارت توضیحی که در این روایت درباره نزول چهل آیه از «سوره نحل» در مکه و
بقیه در مدینه آمده است، میان روایات ترتیب نزول منحصره‌فرد است. محل قرار گرفتن
این سوره نیز نسبت به سایر فهرست‌های روایی به اندازه چند سوره به تأخیر افتاده است.
همچنین ترتیب سوره‌های حوالی نحل یعنی شوری، نوح، ابراهیم، انبیا و سجده نیز نسبت

^۱. برای نمونه: حدثنا وكيع عن سفيان عن حسان بن إبراهيم عن أمية الأزدی عن جابر بن زيد أنه كان يقرأ عند الميت
سورة الرعد (ابن‌ابی‌شبهه، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۲۴).

^۲. کریب بن ابی‌مسلم، مولی ابن‌عباس، متوفای ۹۸ هجری است. وی هاشمی و حجازی است و در مدینه
درگذشت. گفته شده است کتاب ابن‌عباس نزد او بوده است (ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۲۲۵).

به سایر فهرست‌های روایی متفاوت است.

از ویژگی‌های خاص و نه منحصربه‌فرد این فهرست، جایگذاری سوره مائده در شمار اولین سور مدنی است. در فهرست گریب از ابن عباس (ابن‌العربی، ۱۴۲۷، ص ۱۷) و فهرست عکرمه و حسن بصری (بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۱۴۲) نیز سوره مائده در همین جایگاه قرار گرفته است. در ترتیب مقاتل بن سلیمان به نقل از امام علی (ع) هم سوره مائده در جایگاه تقریباً مشابهی با این فهرست‌ها قرار دارد (شهرستانی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۸ ب). در سایر فهرست‌های روایی و اجتهادی شناخته‌شده، سوره مائده آخرین سوره مدنی یا در شمار آخرین سور مدنی است.

ترتیب جابر در مقایسه با سایر فهرست‌هایی روایی جابه‌جایی‌های دیگری نیز دارد: سوره شوری از حوامیم جدا شده و تا بعد از سوره کهف به تعویق افتاده است. همچنین سور ابراهیم و انبیاء بر نحل و نوح مقدم شده و سوره مؤمنون نیز بعد از سجده و طور قرار گرفته است. این جابه‌جایی‌ها نسبت به غالب فهرست‌های روایی، در یک توالی محدود اتفاق افتاده‌اند و جابه‌جایی چشمگیری رخ نداده است، اما مشابه آن در فهرست‌های دیگر وجود ندارد.

در بخش مدنی فهرست جابر در البیان دانی، علاوه بر جایگاه مائده، یک جابه‌جایی دیگر نسبت به غالب فهرست‌ها وجود دارد و آن تغییر ترتیب دو سوره متوالی انفال و آل عمران است. فهرست دیگری که آل عمران در آن بر انفال مقدم شده، تحریری از ترتیب عکرمه و حسن است که به نقل از حاکم نیشابوری توسط ابوبکر بیهقی (م. ۴۵۸ق) در دلائل النبوة (بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۱۴۲) و سپس حسکانی (م. ۴۹۰ق) در شواهد التنزیل (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۱۳) گزارش شده است. سایر منابعی که فهرست عکرمه و حسن بصری را نقل کرده‌اند، ترتیب انفال-آل عمران در آن‌ها مطابق دیگر فهرست‌های روایی است: عدد آی القرآن ابوالعباس الکیال بصری متوفای نیمه دوم قرن چهارم (الکیال، نسخه خطی: تصویر ۱۴۵): الإيضاح فی القراءات العشر احمد بن ابی‌عمر، زاهد اندرایی متوفای ۴۷۰ق (اندرایی، نسخه خطی: باب عاشر)؛ و مجمع البیان طبرسی متوفای ۵۴۸ق به نقل از الإيضاح (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۶۱۳). در تنها یکی از طرق روایت ترتیب عطاء خراسانی که حسکانی از آن در کنار چند طریق دیگر یاد کرده است نیز آل عمران بر انفال مقدم

شده است (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۰۹). اما در ترتیب عطاء از سایر طرق و در سایر منابع، حتی نقل شفاهی طبرسی از همین طریق از حسکانی، آل عمران بعد از انفال قرار دارد.

۲-۲. منبع دوم: حسن المدد فی معرفة فن العدد

حسن المدد فی معرفه فن العدد اثر برهان‌الدین ابراهیم بن عمر جعبری شافعی (۶۴۰ - ۷۳۲ق)، از علمای قرائات و ائمه شافعیه در قرن هفتم و هشتم هجری است (نک: اسنوی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۸۶؛ عسقلانی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۵). موضوع اصلی کتاب شمار آیات، کلمات و حروف قرآن است و در موضوع، ساختار و محتوا شباهت زیادی با البیان ابوعمر و دانی دارد. در جای‌جای این کتاب نیز از دانی نقل قول شده است. فصل هشتم این کتاب درباره مکی و مدنی و آیات سفری است. جعبری از میان روایات مکی-مدنی و ترتیب نزول، به فهرست جابر بن زید به نقل از دانی بسنده کرده است:

أَبْنَانِي الشَّيْخَ يَوْسُفَ الْبَغْدَادِيَّ عَنِ الْقَاسِمِ اللَّوْرُقِيِّ عَنِ مُحَمَّدِ الْمُرَادِيِّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ هَذِيلَ عَنِ سُلَيْمَانَ بْنِ نَجَاحٍ عَنِ أَبِي عَمْرٍو الدَّانِيَّ عَنِ فَارَسٍ عَنِ أَحْمَدَ عَنِ أَحْمَدَ عَنِ الْفَضْلِ عَنِ أَحْمَدَ عَنِ فَضِيلَ عَنِ حَسَّانَ عَنِ أُمِّيَّةَ عَنِ جَابِرِ بْنِ زَيْدٍ قَالَ:

السُّورُ الْمَكِّيَّاتُ سِتٌّ وَثَمَانُونَ اقْرَأْ وَ نِ وَالْمَزْمَلُ وَالْمَدَّثَرُ وَالْفَاتِحَةُ وَتَبَّتْ وَكُورَتْ وَسَبَّحَ وَاللَّيْلُ وَالْفَجْرُ وَالضُّحَى وَالْشَّرْحُ وَالْعَصْرُ وَالْعَادِيَّاتُ وَالْكَوْثَرُ وَأَلْهَافُكُمْ وَأُرَايْتُ وَالْكَافُرُونَ وَالْفِيلُ وَالْفَلَقُ وَالنَّاسُ وَالْإِخْلَاصُ وَالنَّجْمُ وَعَبَسَ وَالْقَدَرُ وَالشَّمْسُ وَالْبُرُوجُ وَالتِّينُ وَلِإِيلَافِ وَالْقَارِعَةُ وَالْقِيَامَةُ وَالْهَمِزَةُ وَالْمُرْسَلَاتُ وَ قِ وَالْبَلَدُ وَالطَّارِقُ وَاقْتَرَبَتْ وَ صِ وَالْأَعْرَافُ وَالْجَنِّ وَ يَسِ وَالْفِرْقَانِ وَفَاطِرُ وَمَرْيَمُ وَ طه وَالْوَاقِعَةُ وَالشُّعَرَاءُ وَالنَّمْلُ وَالْقَصَصُ وَسَبْحَانَ وَيُونُسَ وَهُودَ وَيُوسُفَ وَالْحَجَرَ وَالْأَنْعَامَ وَالصَّافَّاتُ وَلِقْمَانَ وَسَبَّأَ وَالزَّمْرُ وَغَافِرَ وَالْمَصَائِحَ وَالزَّخْرَفَ وَالْدُّخَانَ وَالْجَاثِيَةَ وَالْأَحْقَافَ وَالذَّارِيَّاتِ وَالْغَاشِيَةَ وَالْكَهْفَ وَالشُّورَى وَإِبْرَاهِيمَ وَالْأَنْبِيَاءَ وَالنَّحْلَ وَالْمُضَاجِعَ وَنُوحَ وَالطُّورَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَتَبَارَكَ وَالْحَاقَّةُ وَسَأَلَ وَعَمَّ وَالنَّازِعَاتُ وَانْفُطَرَتْ وَانْشَقَّتْ وَالرُّومَ وَالْعَنَكُبُوتَ وَالْمُطَفِّفِينَ.

والمَدْنِيَّاتُ ثَمَانٌ وَعَشْرُونَ: الْبَقَرَةُ وَآلُ عِمْرَانَ وَالْأَنْفَالُ وَالْأَحْزَابُ وَالْمَائِدَةُ وَالْمُمْتَحَنَةُ

۱. در نسخه چاپی دیگری از این کتاب، به جای «عن» واژه «بن» نوشته شده است (جعبری، ۲۰۰۵، ص ۴۹) که طبق پاورقی منبع اول مطابق با یکی دیگر از نسخ خطی این کتاب است. با توجه به سند روایت ابوعمر و در کتاب البیان، هر چند فارس بن احمد صحیح است، اما دو راوی دیگر نیز با عنوان احمد پیش از فارس نام برده شده‌اند.

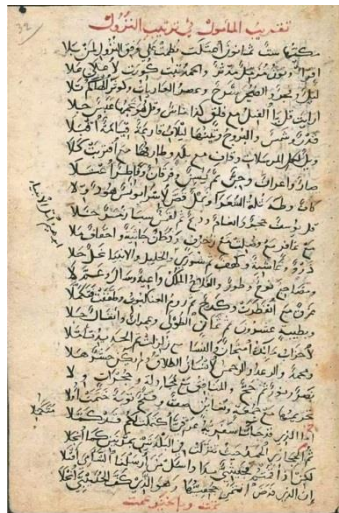
والنساء والزلازل والحديد ومحمد صلى الله عليه وآله والرعد والرحمن وهل أتى بالطلاق ولم يكن والحشر والنصر والنور والحج والمنافقون والمجادلة والحجرات والتحريم والجمعة والتغابن والصف والفتح والتوبة (جعبری، ۱۴۳۱، ص ۲۹۲).

جعبری این روایت را با پنج واسطه از دانی نقل کرده است. در سایر نقل‌های جعبری در این کتاب نیز همین طریق برای اسناد وجود دارد. سند روایت از دانی تا جابر مطابق با روایتی است که دانی در البیان خود آورده است. ترتیب سور نیز کاملاً مشابه روایت دانی است. تنها اختلاف این دو ترتیب، وجود «سورة حمد» در روایت کتاب جعبری است که در ردیف پنجم ترتیب نزول ثبت شده است، درحالی‌که در فهرست البیان دانی این سوره وجود ندارد. به همین دلیل، شمار سور مکی در فهرست کتاب دانی ۸۵ سوره و در فهرست کتاب جعبری ۸۶ سوره اظهار شده است. تفاوت دیگر این دو تحریر، تصریح به نزول چهل آیه از سورة نحل در فهرست سور مکی و عبارت «ثم خاتمة الفرقان» در روایت البیان دانی است که این عبارات در الممدد جعبری نیامده است.

در نام‌گذاری سور نیز در دو متن روایت تطبیق کامل دیده نمی‌شود. برای مثال، در فهرست الممدد جعبری، سورة فصلت «مصایح» و سورة سجده «مضاجع» نامیده شده است، حال آن‌که این نام‌گذاری در میان فهرست‌های روایی و تحریرهای مختلف آن‌ها منحصر به نقل جعبری است. اختلاف زیاد در نام‌گذاری سور مؤید این مطلب است که جعبری کتاب البیان دانی را در دست نداشته و رونوشت نکرده است، بلکه روایات کتاب خود را از طریق شنیدن خبر از طریقی که تصریح نموده از او نقل کرده است.

۲-۳. منبع سوم: قصیده تقریب المأمول فی ترتیب النزول

یکی از آثار معروف جعبری قصیده‌ای است که درباره ترتیب نزول سور قرآن سروده است. او ترتیب نزول جابر را که در کتاب الممدد خود نقل کرده، به نظم آورده است. تصویر زیر نسخه خطی موجود از این قصیده را نشان می‌دهد:



شکل ۱. تصویر نسخه خطی قصیده برهان جعبری

تاریخ کتابت این نسخه مشخص نیست و این احتمال وجود دارد که از روی الانتقان نوشته شده باشد، هرچند جافتادگی یک بیت از این قصیده در الانتقان سیوطی، می‌تواند گواه قدمت و اصالت بیشتر این نسخه نسبت به متن قصیده در الانتقان باشد. متن این قصیده چنین است:

مکّیها ستّ ثمانون اُعتَلت	نُظمت علی وَفَق التَّزول لمن تلا
اقرأ و نون مَرَمَل مَدَثَر	و الحمد تبت کَوَرت الأعلى علا
لیل و فجر و الصّحی شرح و عصر	العادیات و کوثر الهاکم تلا
أرایت قل یا ألفتل مع فلق کذا	ناس و قل هو نَجْمُها عبس جلا
قدَر و شمس و البروج و تینها	لیلاف قارعة قیامة أقبلا
ویل لکل المرسلات وقاف مع	بلد و طارِقُها مع اقتربت کلا
صاد و أعراف و جنّ ثم یسین	و فرقان و فاطر اعتلا
کاف و طه ثلّة الشّعاء و نمل	قصّ الإسرا یونس هود و لا
قل یوسف حجر و أنعام و ذبح	ثم لقمان سبأ زمَرّ خلا

و دخان جائیه و أحقاف ملا	مع غافر مع فصّلت مع زخرف
و الخلیل و الأنبیاء نحلّ حلا ^۱	ذرّو و غاشیه و كهف ثم شوری
الملك واعیه و سال و عمّ لا	و مضاجع نوح و طور و الفلاح
العنكبوت و طَفَفَت فتكمّلا	غرق مع انفطرت و كدح ثم روم
و عمران و أنفال جلا	و بطیة عشرون ثم ثمان الطّولي
مع زلزلت ثم الحديد تأملا	لأحزاب مائدة امتحان و النّسا
الطلاق و لم يكن حشر هلا	و محمّد و الرّعد و الرّحمن الإنسان
مع مجادلة و حجرات و لا	نصر و نور ثم حجّ و المنافق
صفّ و فتح توبة ختمت أولا	تحريمها مع جمعة و تغابن
عَرَفِي أكتملت لكم قد كمّلا (متكملا)	أمّا الذي قد جاءنا سفریه
فی البلدّتين بمدّتين كما انجلا	ثم الحجازي الحمد حيث تنزلت
و اسأل من أرسلنا الشامي اقبلا	لكن إذا قمتم فجيشي بدا
و هو الذي كفّ الحديبي انجلا	إنّ الذي فرض اتمى جحفيها

این قصیده با عنوان خود در منابع کتاب‌شناختی به البرهان جعبری منتسب شده و تشابه کامل ترتیب سور در آن با روایت جابر در المدد جعبری مؤید این انتساب است. سیوطی در الاتقان این قصیده را پس از نقل روایت جابر آورده است. مقایسه این قصیده در نسخه خطی موجود با نسخ مختلف الاتقان مشخص می‌کند که جافتادگی و اختلافی در ترتیب سور وجود ندارد، اما یکی از ابیات پایانی این قصیده که به دو بار نازل شدن^۲ سورة حمد اشاره می‌کند، در الاتقان جا افتاده است: «ثم الحجازی الحمد حيث تنزلت، فی البلدّتين بمدّتين كما انجلا».

نام بعضی از سوره‌ها در این قصیده برگرفته از ابتدای سوره یا واژه و مفهومی از سوره است که غالباً نام‌گذاری با آن واژه مرسوم نیست، مانند قل یا= کافرون، ثله= واقعه،

۱. حاشیه: ابراهیم اتل الانبیاء.

۲. برای اطلاعات بیشتر درباره پدیده تکرار نزول (نک: پهلوان و همکاران، ۱۳۹۵).

ذبح=صافات، ذرو=ذاریات، الفلاح=مؤمنون، واعیه=حاقة، غرق=نازعات، کدح=انشقاق و همچنین نام‌گذاری‌هایی مانند الخلیل=ابراهیم و الطولی=بقره. به نظر می‌رسد شاعر برای رعایت وزن شعری چنین عناوینی به کار برده است. سیوطی نام‌گذاری سوره صافات با عنوان «ذبیح»^۱ را منحصر به جعبری معرفی می‌کند (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۲۰۱). ابن عاشور نیز درباره نام‌گذاری سوره حاقة با عنوان «واعیه» می‌گوید که احتمالاً جعبری آن را از آیه ﴿وَتَعْبِهَا أَذُنٌ وَاعِيَةٌ﴾ گرفته است و من پیشنهادی برای این اسم ندیدم (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۳۰، ص ۱۱۰). نام «مضاجع» برای سوره فصلت هم در قصیده جعبری و هم در متن روایت خود او در الممدد مشترک است، اما سایر عناوین خاص در این قصیده با دیگر متون روایات ترتیب نزول اشتراک ندارد.

در ادامه خواهیم دید که متن روایت جابر در الانتقان سیوطی جافتادگی‌های متعددی دارد، اما وقتی قصیده جعبری را نقل می‌کند در ترتیب سور جافتادگی وجود ندارد و این یکی از مزایای استفاده از شعر برای انتقال پیام است.

۴-۲. منبع چهارم: مقاصد السور بقاعی

مساعد النظر للإشراف علی مقاصد السور اثر برهان‌الدین ابراهیم بن عمر خرباوی بقاعی شافعی (۸۰۹ - ۸۸۵ق) مفسر، مورخ و ادیب قرن نهم هجری است. موضوع اصلی کتاب، بیان مراد و اهداف هر سوره و تناسب اجزا و محتوای هر سوره با اسم و محور آن سوره است (بقاعی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۹۷) که پیش از بقاعی کسی در تفسیر خود به این موضوع اهتمام نداشته است (بقاعی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۶). او در این کتاب ذیل هر سوره به ترتیب مصحف، به ذکر مواردی چون اسامی سوره، مکی یا مدنی بودن و آیات استثنای آن بر اساس روایات مختلف، تعداد آیات و فواصل مشابه، مقصود سوره، دلالت اسم سوره با مسمای آن و نیز فضائل سوره پرداخته است. ذیل سوره فاتحه به عنوان اولین سوره‌ای که باب سخن را گشوده، مطالب متعددی از جمله بحث مکی-مدنی و ترتیب نزول مطرح شده است. بقاعی در این بخش، ترتیب جابر را از کتاب الیابان دانی گزارش می‌کند. با

^۱. در متن قصیده، چه در نسخه خطی مستقل آن و چه در نسخ خطی الانتقان، سوره صافات با عنوان «ذبح» آمده است. اما در فصل اسماء سور گفته شده که جعبری صافات را «ذبیح» نامیده است که به نظر می‌رسد اشتباه مؤلف باشد.

توجه به رونوشت بقاعی از کتاب دانی، بدیهی است که سند و محتوا کاملاً مشابه باشد، از جمله آن که سورة حمد در این فهرست نیز وجود ندارد. تنها تفاوتی که بین این دو متن دیده می‌شود، عبارت پایانی پس از سورة توبه است که در نسخه مرجع این پژوهش از البیان دانی به صورت «ثم خاتمه الفرقان» و در مقاصد بقاعی بدون حرف ثم و به صورت «خاتمه القرآن» نوشته شده است (بقاعی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۶۴). نام سوره‌ها هم مشابه البیان است، تنها سورة مریم در مقاصد السور کهیصص نوشته شده که ممکن است مطابق نسخه دیگری از البیان باشد. در الانتقان سیوطی نیز پایان روایت جابر مشابه مقاصد بقاعی است. با توجه به این عبارت در مقاصد بقاعی و الانتقان، می‌توان گفت ثبت حرف ثم بعد از توبه در البیان دانی، خطای استنساخ است.

۵-۲. منبع پنجم: الانتقان سیوطی

الانتقان فی علوم القرآن اثر عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی شافعی (۸۴۹ - ۹۱۱ق)، مفسر، مورخ، محدث و ادیب به نام قرن نهم و دهم هجری است. سیوطی در این کتاب هشتاد موضوع مختلف علوم قرآنی را با عنوان «نوع» مطرح کرده و به شکل گسترده‌تری نسبت به سایر کتب پیش از خود به آن‌ها پرداخته است. از جمله این انواع، شناخت سور مکی و مدنی و اول و آخر ما نزل است. او در نوع اول این کتاب «معرفة المکی و المدنی»، ضمن گزارش روایاتی در این موضوع، دو فهرست کامل ترتیب نزول روایی عکرمه و حسن به نقل از دلائل النبوه بیهقی و عطاء خراسانی از ابن عباس به نقل از فضائل القرآن ابن ضریس را آورده است. فهرست روایی جابر بن زید با فاصله و به صورت جداگانه در نوع هفتم الانتقان «معرفة أول ما نزل» گزارش شده است. بخش مکی روایت ذیل عنوان «أول ما أنزل الله من القرآن بمكة» و بخش مدنی آن ذیل «وأنزل بالمدينة» آمده است. متن این روایت بر اساس کهن‌ترین نسخه خطی و برخی نسخ مطبوع که کمترین جافتادگی را دارند، بدین ترتیب است:

و قال أبو بکر محمد بن الحارث بن أبي ضفي جزئه المشهور حدثنا أبو العباس عبيد الله بن محمد بن أعين البغدادي، حدثنا حسان بن إبراهيم الكرماني، حدثنا أمية الأزدي، عن جابر بن زید، قال:

أَوَّلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْقُرْآنِ بِمَكَّةَ اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ ثُمَّ ن وَالْقَلَمِ ثُمَّ يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ
ثُمَّ يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ ثُمَّ الْفَاتِحَةَ ثُمَّ تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ ثُمَّ إِذَا الشَّمْسُ كُورَتْ ثُمَّ
سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ثُمَّ وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى ثُمَّ وَالْفَجْرِ ثُمَّ وَالضُّحَى ثُمَّ أَلَمْ
نُشْرَحْ ثُمَّ وَالْعَصْرِ ثُمَّ وَالْعَادِيَّاتِ ثُمَّ الْكَوْثَرِ ثُمَّ أَلْهَاكُمُ ثُمَّ أَرَأَيْتَ الَّذِي يَكْذِبُ ثُمَّ
الْكَافِرُونَ ثُمَّ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ثُمَّ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ثُمَّ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ثُمَّ
قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ثُمَّ وَالنَّجْمِ ثُمَّ عَبَسَ ثُمَّ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ ثُمَّ وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا ثُمَّ
الْبُرُوجِ ثُمَّ وَالتِّينِ ثُمَّ لِإِيلَافِ ثُمَّ الْقَارِعَةِ ثُمَّ الْقِيَامَةِ ثُمَّ وَيْلٌ لِكُلِّ هَمَزَةٍ ثُمَّ
وَالْمُرْسَلَاتِ ثُمَّ قُ ثُمَّ الْبَلَدِ ثُمَّ الطَّارِقِ ثُمَّ اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ ثُمَّ صُ ثُمَّ الْأَعْرَافِ
ثُمَّ الْجَنِّ ثُمَّ يَسُ ثُمَّ الْفِرْقَانِ ثُمَّ الْمَلَائِكَةُ ثُمَّ كَهَيِّعَصَ ثُمَّ طه ثُمَّ الْوَاقِعَةِ ثُمَّ
الشُّعْرَاءِ ثُمَّ طس سُلَيْمَانَ ثُمَّ طسَمِ الْقَصَصِ ثُمَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ ثُمَّ التَّاسِعَةِ يَعْنِي
يُونُسَ ثُمَّ هُودَ ثُمَّ يُوسُفَ ثُمَّ الْحَجَرَ ثُمَّ الْأَنْعَامِ ثُمَّ الصَّافَّاتِ ثُمَّ لِقَمَانَ ثُمَّ سَبَأَ
ثُمَّ الزَّمَرَ ثُمَّ حَمِ الْمُؤْمِنِ ثُمَّ حَمِ السَّجْدَةِ ثُمَّ حَمِ الزَّخْرَفِ ثُمَّ حَمِ الدُّخَانِ ثُمَّ
حَمِ الْجَاثِيَةِ ثُمَّ حَمِ الْأَحْقَافِ ثُمَّ الذَّارِيَّاتِ ثُمَّ الْغَاشِيَةِ ثُمَّ الْكَهْفِ ثُمَّ حَمِ عَسْقِ
ثُمَّ تَنْزِيلِ السَّجْدَةِ ثُمَّ الْأَنْبِيَاءِ ثُمَّ النُّحْلِ أَرْبَعِينَ وَبَقِيَّتُهَا بِالْمَدِينَةِ ثُمَّ إِنَّا أَرْسَلْنَا
نُوحًا ثُمَّ الطُّورِ ثُمَّ الْمُؤْمِنُونَ ثُمَّ تَبَارَكَ ثُمَّ الْحَاقَّةِ ثُمَّ سَأَلَ ثُمَّ عَمِ يَتَسَاءَلُونَ ثُمَّ
وَالنَّازِعَاتِ ثُمَّ إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ ثُمَّ إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ ثُمَّ الرُّومِ ثُمَّ
الْعَنَكَبُوتِ ثُمَّ وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ فَذَاكَ مَا أَنْزَلَ بِمَكَّةَ.

وَأَنْزَلَ بِالْمَدِينَةِ: سُورَةَ الْبَقَرَةِ ثُمَّ آلِ عِمْرَانَ ثُمَّ الْأَنْفَالِ ثُمَّ الْأَحْزَابِ ثُمَّ الْمَائِدَةِ
ثُمَّ الْمُمْتَحِنَةِ ثُمَّ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ ثُمَّ النُّورِ ثُمَّ الْحَجِّ ثُمَّ الْمَنَافِقُونَ ثُمَّ الْمَجَادِلَةِ
ثُمَّ الْحَجَرَاتِ ثُمَّ التَّحْرِيمِ ثُمَّ الْجُمُعَةِ ثُمَّ التَّغَابُنِ ثُمَّ سَبِّحِ الْحَوَارِيْنَ ثُمَّ الْفَتْحِ
ثُمَّ التَّوْبَةِ وَخَاتَمَةَ الْقُرْآنِ.

سند این روایت تنها در سه راوی ابتدای سند یعنی جابر بن زید، أمیه الأزدی و حسان
بن ابراهیم الکرمانی با سند روایت ابوعمر و دانی مشترک است. بنابر متن الانقان، سیوطی
این روایت را از نوشتار مشهوری از ابوبکر محمد بن حارث بن ابیض از محدثین مصر و
متوفای ۳۴۳ ق (الصدفی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۴۳۹) گزارش کرده است. بهرغم جست‌وجو در
منابع مطبوع و مخطوط و متون کتب به این نوشتار دست نیافتیم. ابن ندیم نام این شخص

را در الفهرست خود، در میان شاعران مصری و دارای ۵۰ صفحه شعر آورده است: «محمد بن الحارث المصري خمسون ورقة» (ابن‌الندیم، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۰۲). محمد بن حارث نیز روایت را از عبیدالله بن محمد بن أعین البغدادی، متوفای ۳۰۹ یا ۳۵۹ (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۳۴۳) نقل کرده است. با توجه به کتب تراجم و اعلام، نام کامل این راوی «عبیدالله بن محمد بن جعفر بن اعین» است. در کتاب تاریخ المصرین از محمد بن جعفر بن اعین، پدر عبیدالله، متوفای ۲۹۳ق، یاد شده است. او به مصر آمده و از محدثان ثقة آن سرزمین به شمار می‌رفته است (الصدفی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۶). بنابراین، محمد بن حارث هم‌عصر و هم‌مصر عبیدالله بوده است. در سند روایت الانتقان، پس از عبیدالله از حسان بن ابراهیم نام برده شده که از محدثین قرن دوم هجری است. میان این دو راوی حداقل صد سال فاصله است و بنابراین سند روایت الانتقان افتادگی دارد.

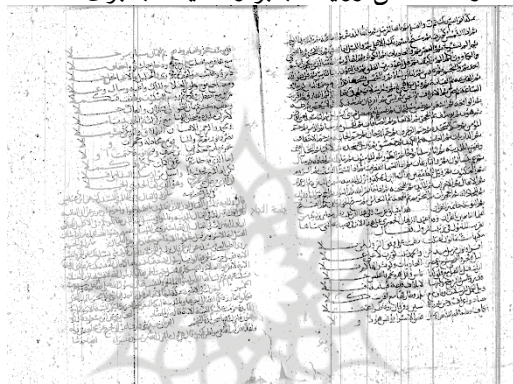
در روایت جابر در الانتقان، سورة حمد در ترتیبی مشابه المدد جعبری آمده است، اما نام‌گذاری سور و عبارات توضیحی به تحریر البیان دانی شبیه‌تر است. برای مثال، روایت الانتقان نیز یونس را «تاسعه» نامیده و در ادامه سورة نحل عبارت «أربعین و بقیتها بالمدينة» را نوشته است. در نسخ خطی و چاپی مختلف الانتقان که در این پژوهش بررسی شده است، جابه‌جایی‌ها و جافتادگی‌های متفاوتی دیده می‌شود. در همه این نسخ، در بخش مکی، سورة ابراهیم از قلم افتاده و نسبت به نقل دانی، سورة سجده بر انبیاء و نحل مقدم شده است. در بخش مدنی، آشفستگی بیشتری وجود دارد. در نسخه‌های مختلف مخطوط و مطبوع این اثر، حداکثر نام هیجده سورة مدنی ثبت شده است، یعنی حداقل ده جافتادگی دارند: نساء، زلزال، حدید، محمد، رعد، رحمن، انسان، طلاق، بینه و حشر. میان سوره‌های ذکرشده نیز جابه‌جایی و اختلاف وجود دارد. با این همه، در ثبت قصیده جعبری اختلافی میان نسخ مختلف دیده نمی‌شود و به‌جز از قلم افتادن یک بیت از اواخر قصیده، جافتادگی دیگری در متن شعر و نام سور وجود ندارد.

۱-۵-۲. بررسی متن روایت در نسخ خطی الانتقان

در ادامه، چند نسخه خطی از الانتقان که در این پژوهش به‌منظور بررسی اختلافات و

اشکالات نسخ خطی و مطبوع گردآوری شده است، بررسی می‌شود. هدف از جست‌وجوی نسخ خطی الاتقان و دقت در متن روایت جابر، به دلیل اختلافات زیادی است که در نسخ مطبوع این کتاب دیده می‌شود.

یکی از قدیمی‌ترین نسخ خطی الاتقان، نسخه‌ای است که طبق تاریخ کتابت ثبت‌شده در انتهای آن، و دعای «أطال الله بقاءه و نفع به و بعلمه» برای سیوطی در ابتدای آن، در زمان حیات سیوطی نوشته شده است. این نسخه در کتابخانه دانشگاه ملی النجاح فلسطین واقع در شهر نابلس نگهداری می‌شود (پایگاه جامعة النجاح). شکل زیر صفحاتی از این نسخه را که شامل روایت جابر و قصیده جعبری است نشان می‌دهد.



شکل ۲. روایت جابر و قصیده جعبری در نسخه خطی الاتقان مربوط به زمان

حیات سیوطی (قرن ۹)

در این نسخه کهن، کاستی‌ای نسبت به نسخ بعدی الاتقان وجود ندارد، یعنی نسخ یافت‌شده‌ای که پس از این تاریخ، کتابت شده‌اند حداقل جافتادگی‌های این نسخه را دارند (سیوطی، نسخه خطی اول: تصویر هیجدهم).

نسخه خطی دیگری از کتاب الاتقان نسخه‌ای است که در موزه کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان نگهداری می‌شود. این نسخه نفیس به خط یکی از ائمه زیدیه استنساخ شده است. تاریخ کتابت این نسخه، سلخ (روز آخر ماه) جمادی الآخر ۹۶۷ق، یعنی ۵۶ سال بعد از درگذشت سیوطی است.



شکل ۳. تصویر نسخه خطی متن روایت جابر و قصیده جعبری در الاتقان مربوط به اواخر قرن ۱۰

نسخه‌ای تمیز با دو رنگ جوهر، اما با بی‌دقتی‌ها و اشکالات و جاافتادگی‌های متعدد در متن روایت، از جمله آن‌که سوره‌های ضحی، مائده و حجرات نیز علاوه بر ده سوره یادشده از قلم افتاده است (سیوطی، نسخه خطی دوم: تصویر پانزدهم).

سه نسخه خطی دیگر نیز در این پژوهش به دست آمده و روایت جابر در آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است: مخطوطی است که در کتابخانه‌ی الازهر مصر نگهداری می‌شود (سیوطی، نسخه خطی سوم: تصویر پانزدهم). نسخه‌ای که در کتابخانه‌ی کنگره ایالات متحده آمریکا واقع در واشگتن دی‌سی قرار دارد (سیوطی، نسخه خطی چهارم: تصاویر شماره ۳۰ و ۳۱) و مخطوطه‌ای که در کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود (سیوطی، نسخه خطی پنجم: تصویر هیجدهم). متن روایت جابر در این نسخ، از لحاظ تعداد و ترتیب سور، اختلافی با نسخه خطی اول (مربوط به زمان حیات سیوطی) ندارند.

۲-۵-۲. بررسی متن روایت در نسخ چاپی الاتقان

الاتقان با تحقیق‌های مختلف بارها به نشر رسیده است. نسخه چاپی قدیمی مربوط به کلکته (سیوطی، ۱۸۵۲، ص ۵۶) بدون اطلاعات محقق و نسخه مرجع (تصویر ۷) و نیز نسخه

چاپ مدینه منوره با تحقیق مرکز الدراسات القرآنیه بر روی چندین نسخه خطی (سال انتشار: ۱۴۲۶ق / ۲۰۰۵م) از جمله نسخه‌های مطبوعی هستند که سند و محتوای روایت جابر در آن‌ها مطابق نسخه خطی اول است. نسخه اصلی مورد استفاده در چاپ مدینه منوره، نفیس‌ترین نسخه این کتاب، مربوط به زمان حیات سیوطی است که توسط شاگرد او، جرامرد الناصری الحنفی، در سال ۸۸۳ کتابت شده و او آن را برای سیوطی خوانده و سیوطی پس از شنیدن تمام آن، اجازه روایت این کتاب و همه مرویات و تألیفات خود را به صورت مکتوب به او داده است (سیوطی، ۱۴۲۶، ج ۶، ص ۲۴۵۷). اصل این نسخه در کتابخانه آصفیه در حیدرآباد هند نگهداری می‌شود.

در برخی از نسخ منتشر شده جافتادگی‌هایی وجود دارد که مطابق با نسخ خطی اصیل نیست. برای مثال، در تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، با این که به نسخه خطی آصفیه هند به عنوان مرجع تحقیق اشاره شده است، اما دقت نسخه چاپ مدینه را ندارد (سیوطی، ۱۹۶۷، ج ۱، ص ۱۱). در این چاپ، علاوه بر کاستی‌های خود روایت الاتقان، سوره‌های نور و حجرات نیز از قلم افتاده و تنها ۱۶ سوره مدنی ثبت شده است (سیوطی، ۱۹۶۷، ج ۱، ص ۷۲). در نسخه تحقیقی فواز احمد زمرلی، علاوه بر این دو سوره، سوره عادیات هم از قلم افتاده است (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۱۱۰). نسخه‌های متعدد دیگری نیز در کتابخانه‌های مختلف در دسترس خوانندگان و محققان قرار گرفته و گاه بدون در نظر گرفتن امکان اشتباه در تحقیق یا استنساخ و مقایسه با سایر نسخ مخطوط و مطبوع، مرجع تألیفات علوم قرآنی و تفسیری قرار گرفته‌اند.

۳. تبارشناسی روایت جابر

اصطلاح «تبارشناسی» در حوزه حدیث به معنای بررسی خاستگاه و منبع اصیل و اولیه یک روایت است. منظور از تبارشناسی فهرست‌های روایی در این پژوهش عبارت است از: کنکاش در منابع متقدم و اسانید روایات و نیز دقت در سرنخ‌های ارتباطی در محتوای فهرست‌ها برای بازشناسی متن اصیل روایت، کشف ارتباط فهرست‌ها با یکدیگر و زمینه‌های شکل‌گیری آن‌ها.

سیوطی در الاتقان پس از نقل روایت جابر، آن را سیاقی غریب خوانده که در ترتیب

آن اشکال وجود دارد: «قلْتُ هذا سياق غریب، و فی هذا الترتیب نظر» (سیوطی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۱۶۷). از آن‌جا که صرف‌نظر از جافتادگی‌های این فهرست، تفاوت چشمگیری میان این ترتیب با سایر فهرست‌هایی که سیوطی نقل کرده است وجود ندارد، منظور سیوطی از اشکال در ترتیب، همین جافتادگی‌های زیاد این فهرست است. بنابراین نقص روایت جابر در الانتقان سیوطی مربوط به مرجع او یعنی جزء مشهور محمد بن حارث است نه خطای نقل روایت یا کتابت نسخهٔ اصیل الانتقان. همچنین علی‌رغم آن‌که سیوطی در الانتقان به تألیفات مختلف ابوعمر و دانی مراجعه و از آن‌ها نقل قول کرده است، به نظر می‌رسد کتاب البیان فی عد آی القرآن او را ندیده باشد. در غیر این صورت، روایت جابر را نیز از قول دانی گزارش می‌کرد یا در کنار نقل از جزء مشهور محمد بن حارث و قصیدهٔ جعبری، از روایت دانی نیز یاد می‌نمود. نیز با توجه به این‌که سیوطی پس از نقل روایت جابر از طریق ابن حارث، می‌گوید جعبری قصیده‌اش را با تکیه بر این روایت سروده، این‌طور برداشت می‌شود که سیوطی روایت جابر و طریق جعبری را در کتاب المدد او ندیده است، بلکه با توجه به تشابه دو متن روایت و قصیده چنین گفته است. از سوی دیگر، هرچند محمد بن حارث، صاحب جزء مشهور، یک قرن پیش از دانی درگذشته و نوشتار او در زمان دانی و جعبری موجود بوده است، اما دانی و جعبری به روایت او اشاره نکرده‌اند. لذا یا آن را در دست نداشته و یا طریق خود را برای این روایت ترجیح داده‌اند. به هر رو، صرف‌نظر از جافتادگی‌ها، مهم‌ترین اختلاف تحریرهای این روایت، وجود یا عدم وجود سورة حمد در فهرست ترتیب نزول است.

در روایت البیان دانی و به تبع آن مقاصد السور بقاعی، سورة حمد در فهرست جابر قرار ندارد و شمار سوره‌ها نیز ۱۱۳ سوره است و به این عدد در متن روایت تصریح شده است. اما روایت المدد جعبری، با وجود این‌که نقل از ابوعمر و دانی است، سورة حمد را شامل شده و آن را در ردیف پنجم ترتیب جای داده است. در میان فهرست‌های روایی، تنها فهرستی که سورة حمد را در جایگاهی مشابه این دو تحریر روایت جابر قرار داده است، فهرست ابوصالح از ابن عباس در تاریخ یعقوبی (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۳) و به تبع آن روایت کلبی از ابن عباس در تفسیر شهرستانی (شهرستانی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۷) است که ردیف ششم ترتیب نزول را به سورة حمد اختصاص داده است. اما همین روایت ابوصالح از

ابن عباس نیز در منابع دیگری چون المبانی لنظم المعانی (المبانی، نسخه خطی: صفحه سوم؛ جفری، ۱۳۹۲، ص ۸)، زین الفتی (عاصمی، نسخه خطی، تصویر ۱۴؛ عاصمی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۳۶) و به تبع آن الایضاح اندرایی (اندرایی، نسخه خطی: باب عاشر) و شواهد التنزیل حسکانی (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۱۱) فاقد سورة حمد است.

روایت جابر در همه منابع بدون استناد به ابن عباس یا صحابی دیگری نقل شده است. بعضی به دلیل این که جابر از شاگردان ابن عباس بوده و از او روایت می کرده است، ترتیب او را نیز نقل از ابن عباس دانسته‌اند (نکونام، ۱۳۸۰، ص ۱۳). مقایسه میان روایات ترتیب نزول منسوب به ابن عباس و روایت جابر نشان می دهد تشابه صددرصدی میان روایت جابر و روایات ابن عباس وجود ندارد، همان طور که طرق مختلف روایت ابن عباس نیز با یکدیگر متفاوت اند. اما از میان طرق مختلف روایت ترتیب ابن عباس، بیش از همه فهرست کرب (ابن العربی، ۱۴۲۷، ص ۱۷) به روایت جابر نزدیک است، زیرا ویژگی پیش افتادن سورة مائده در فهرست کرب نیز وجود دارد. از سویی دیگر، قرار داشتن سورة حمد در بعضی از نسخه های روایت جابر و ابوصالح از ابن عباس در ردیف پنجم و ششم، ویژگی مشترک و خاص این دو فهرست است که مورد توجه قرآن پژوهان قرار گرفته است.

در میان سایر فهرست های روایی، یعنی فهرست های غیرمنتسب به ابن عباس، فهرست عکرمه و حسن بصری، بیشترین شباهت را به فهرست جابر دارد. این فهرست علاوه بر هماهنگی در جایگاه سورة مائده، در تقدم آل عمران بر انفال، در برخی از تحریرهای خود، مشابه ترتیب جابر است. همچنین در فهرست عکرمه-حسن در دلائل النبوة نیز از سورة یونس با عنوان «التاسعة» یاد شده است (بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۱۴۲)، که این نام گذاری در هیچ قول دیگری نظیر ندارد و می توان آن را قرینه ای بر ریشه واحد این دو روایت دانست. سورة یونس در فهرست کرب -حداقل در نسخ چاپی مرجع این پژوهش- افتاده است (ابن العربی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۲؛ ابن العربی، ۱۴۲۷، ص ۱۷). با این اوصاف، صرف نظر از جافتادگی ها و برخی جابه جایی ها، می توان ریشه این سه روایت، یعنی کرب از ابن عباس، عکرمه-حسن و فهرست جابر را واحد دانست. جابر بن زید، عکرمه و حسن بصری هر چهار نفر از کبار تابعان، شاگردان ابن عباس و هم عصر بوده اند. بوم کرب و تمام راویان فهرست او مدینه است، اما بقیة تابعان یادشده بصری اند.

۴. اعتبارسنجی روایت جابر

در اسناد روایت جابر بن زید تنها دو طریق وجود دارد که هر دو در بخش ابتدایی سند یعنی از حسان بن ابراهیم کرمانی مشترک هستند. تفرد در نقل از قائل روایت، باعث ضعف سندی روایت شده است. ضمن آن که سند روایت مقطوع است و به ظاهر نسبت به روایات مسند، مانند روایات ترتیب نزول منسوب به امام علی (ع) و ابن عباس، درجه اعتبار پایین‌تری دارد. نقطه قوت این روایت، شهرت و وثاقت جابر و ارتباط بی‌واسطه او با ابن عباس است که باعث شده است این روایت در حکم حدیث موقوف (نقل از صحابی) تلقی شود.

هرچند طریق الاتقان کوتاه‌تر است، اما محتوای آن ناقص است. صرف نظر از نقصان روایت الاتقان، تفاوت عمده‌ای میان این دو طریق و تحریرهای آن‌ها دیده نمی‌شود، مگر در سوره حمد. روایت محمد بن حارث و روایت جعبری به نقل از دانی دارای سوره حمد در ترتیبی یکسان است و روایت دانی در کتاب البیان و به تبع آن گزارش بقاعی در مصاعد النظر، فاقد سوره حمد است. تفاوت دو کتاب الممدد و مقاصد السور در نحوه نقل از دانی است که اولی با واسطه چند راوی از او نقل کرده و دومی تصریح کرده که از متن کتاب او نقل قول می‌کند. بنابراین مقاصد بقاعی فقط می‌تواند مؤید نسخه مکتوب البیان باشد، اما در مورد روایت جعبری دو احتمال وجود دارد:

۱. روایت اصیل دانی از ترتیب جابر شامل سوره حمد بوده، اما در نسخه مکتوب البیان به دلایلی مؤکداً از فهرست حذف شده است؛

۲. روایت اصیل دانی از ترتیب جابر فاقد سوره حمد بوده، اما در طول زمان به واسطه راویان، به فهرست افزوده شده و شمار سور نیز تصحیح شده است.

متن روایت در الاتقان که از نوشتار محمد بن حارث مربوط به قرن چهارم نقل شده است، می‌تواند قرینه‌ای بر وجود سوره حمد در روایت اصیل جابر باشد. اما از سویی، گسست در سند، نقص در متن روایت، عدم دسترسی به نوشتار و آثار دیگر محمد بن حارث و اطلاعات ناچیز درباره او اعتماد به جزئیات روایت را با مشکل مواجه می‌کند. به علاوه، در غالب فهرست‌های روایی نیز سوره حمد در ترتیب نزول وجود ندارد. با این اوصاف به نظر می‌رسد روایت جابر در اصل فاقد سوره حمد بوده است و برخی راویان و

کاتبان بعد از حسان سورة حمد را به آن افزوده‌اند. این اختلاف در سورة حمد، به نوعی اضطراب متنی برای روایت جابر به حساب می‌آید.

ضعف دیگر این فهرست، مخالفت ترتیب آل عمران-انفال در همه تحریرهای فهرست جابر با سایر فهرست‌های روایی است که انفال را پیش از آل عمران جایگذاری کرده‌اند. تنها مؤید ترتیب آل عمران-انفال، دو تحریر از روایت عکرمه-حسن و عطاء از ابن عباس است که خود به دلیل مشابه نمی‌تواند ضعف این ترتیب را برطرف کند. ترتیب سایر سوره‌ها در روایت جابر با دیگر فهرست‌های روایی تأیید می‌شود و اعتبار متنی آن در کنار اعتبارسنجی کلی فهرست‌های روایی قابل اظهار نظر است.

۵. مبنایابی روایت جابر

منظور از مبنایابی فهرست ترتیب نزول در این پژوهش، بررسی مبنای صاحب فهرست اعم از اجتهاد یا نقل روایت است. همان‌طور که گفته شد، با توجه به جایگاه خاص سورة مائده و سایر ویژگی‌های متنی، ریشه سه روایت کرب از ابن عباس، عکرمه-حسن و فهرست جابر، واحد است. با این حال تلقی، در مورد چند مسئله باید تأمل بیشتر کرد: نخست آن‌که مقایسه جایگاه خاص سورة مائده در سه فهرست جابر، کرب و عکرمه-حسن با سایر فهرست‌های روایی و روایات آخر ما نزل، نشان‌دهنده شاذ بودن این جایگذاری، یعنی تقدم مائده در ترتیب نزول سور مدنی است. هرچند ریشه این سه فهرست به نظر یکسان می‌رسد، اما تعدد در نقل با طرق مختلف و در منابع مختلف نشان می‌دهد که خطای سهوی در کار نیست و این جایگذاری حاصل اجتهاد صاحبان رأی است.

دوم آن‌که قول نزول چهل آیه اول سورة نحل در مکه و بقیه آن در مدینه، اگر در اصل روایت کرب یا قول مفقودی از ابن عباس نباشد، می‌تواند نظر جابر تلقی شود. دانی در البیان ذیل سورة نحل، به نقل از قتاده چنین می‌آورد که این سوره از اول تا ذکر هجرت مکی و سایر آن مدنی است و جابر هم همین را گفته است (دانی، ۲۰۱۱، ص ۲۶۸). جابر از لحاظ زمانی مقدم بر قتاده است و سایر اقوالی نیز که دانی درباره نزول آیات این سوره در مکه و مدینه گرد آورده است با این دو قول متفاوت است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت

که دلیل جابر برای مدنی شمردن آیه ۴۱ به بعدِ سورة نحل، طرح مسئله «هجرت» و مرتبط دانستن آن با هجرت به مدینه باشد. مشابه این نوع اجتهاد در تشخیص مکی یا مدنی بودن و مستثنا کردن آیات مبتنی بر معیارهای متنی و پیشفرض‌های ذهنی در آرا و اقوال دیگر علما و مفسران نیز به چشم می‌خورد (نک: کلباسی؛ احمدنژاد، ۱۴۰۰، ص ۴۶۰).

سومین مسئله، ترتیب آل عمران و انفال در فهرست جابر و نسخه‌ای از روایت عکرمه-حسن است که موافق فهرست کرب و سایر فهرست‌های روایی نیست و بسنده کردن به احتمال خطای نقل در مورد آن قانع‌کننده به نظر نمی‌رسد.

مسئله بعدی این است که ثبت یا عدم ثبت سورة حمد در تحریر جعبری و مرجع الائقان نمی‌تواند خطای سهوی باشد، بلکه اعمال نظر یا پذیرش قولی از اقوال متفاوت و متعارض درباره این سورة، تعیین‌کننده ثبت یا حذف آن از فهرست بوده است.

با توجه به مطالب گفته‌شده، قطعاً نمی‌توان حکم داد که فهرست جابر دارای سورة حمد در ردیف پنجم ترتیب نزول است، همان‌طور که در مورد فهرست ابوصالح از ابن عباس نیز به دلیل وجود تحریرهای فاقد حمد نمی‌توان وجود حمد در فهرست را به‌طور یقینی پذیرفت. بنابراین تکمیل فهرست ۱۱۳ سورة‌ای عطاء از ابن عباس (ابن‌ضریس، ۱۴۰۸، ص ۳۳-۳۵) با اضافه کردن سورة حمد در ردیف پنجم ترتیب نزول، تنها با استناد به روایت جابر در الائقان و ابوصالح در تاریخ یعقوبی قابل پذیرش نیست.

نتیجه‌گیری

آنچه با گردآوری روایات ترتیب نزول از کهن‌ترین منابع موجود و بررسی اسناد و متن این روایات، درباره فهرست ترتیب نزول جابر بن زید به دست می‌آید این است که:

۱. علی‌رغم آنچه در کتب و مقالات معاصر درباره روایت جابر دیده می‌شود، این روایت تنها در الائقان سیوطی نیامده است، بلکه در منابع کهن‌تر از طریق دیگری این روایت گزارش شده است که اتفاقاً فهرست کاملی از سور را شامل می‌شود. بنابراین پژوهشگرانی که به فهرست جابر بن زید استناد می‌کنند، لازم است به سایر منابع این فهرست به‌ویژه کهن‌ترین منبع آن یعنی البیان فی عد آی القرآن ابوعمرو دانی نیز مراجعه کنند.

۲. نسخ مختلف مخطوط و مطبوع الاتقان در گزارش فهرست جابر اشکالات متعددی دارند و تعداد جافنادگی‌های برخی از نسخه‌ها بیشتر از نسخه اصلی الاتقان است. بنابراین پژوهشگرانی که از الاتقان سیوطی به عنوان مرجع استفاده می‌کنند، لازم است نسخه مرجع خود را با سایر نسخ الاتقان مقایسه کنند و به یک نسخه چاپی یا خطی غیراصیل اکتفا نکنند. توصیه می‌شود از نسخه‌هایی چون نسخه محقق مرکز الدراسات القرآنی (سیوطی، ۱۴۲۶) که از دقت بالاتری برخوردار بوده و مطابق با مخطوطات اصیل الاتقان است، استفاده شود.

۳. به رغم این که محققان به استناد گزارش الاتقان، وجود سوره حمد در فهرست جابر را قطعی تلقی کرده و از آن به عنوان یک روایت از زمان نزول سوره حمد استفاده می‌کنند، تحریر دیگر این فهرست که از طریق ابوعمر و دانی گزارش شده و در مصاعد النظر بقاعی بازگو شده است، فاقد سوره حمد است. همچنین فهرست‌های کرب و عکرمه و حسن که بر اساس قراین متنی، در اصل و ریشه با فهرست جابر اتحاد دارند، سوره حمد را ندارند. با این ادله، اصالت جایگذاری سوره حمد در فهرست جابر با چالش مواجه است و نمی‌توان از آن به عنوان یک شاهد روایی قطعی استفاده کرد. با توجه به تأکید متن روایت دانی بر تعداد سور و نیز توجه به سایر فهرست‌های روایی که فاقد سوره حمد هستند، این طور می‌توان نتیجه گرفت که اضافه شدن سوره حمد به فهرست جابر، حاصل دخالت راویان بعدی (بعد از طبقه تابعان) است.

۴. تقدم آل عمران بر انفال در فهرست جابر در میان سایر روایات ترتیب نزول پشوانه‌ای جز یک تحریر از روایت عکرمه و حسن بصری ندارد. سایر قراین نقلی و شواهد متنی در قرآن برای زمان نزول این دو سوره در پژوهش حاضر گزارش نشد، اما به طور کلی باید گفت این جابه‌جایی چه اشتباه سهوی در نقل باشد و چه اجتهاد قائلان یا راویان فهرست، دلیل قابل قبولی برای تقدم آل عمران بر انفال در نزول نیست.

۵. پیش افتادن سوره مائده در فهرست سور مدنی و جایگذاری آن به عنوان پنجمین سوره نازل شده در مدینه، در دو فهرست کرب و عکرمه - حسن نیز مشاهده می‌شود. این ویژگی نشان‌دهنده ارتباط ریشه‌ای این سه فهرست با یکدیگر است. تعارض با سایر فهرست‌های روایی و نیز قراین نقلی متعدد و شواهد متنی قوی در آخر ما نزل بودن سوره

مأثده، نزول این سوره در ردیف پنجم نزول در مدینه را زیر سؤال می‌برد. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که جایگذاری سوره مأثده در چنین ردیفی حاصل اجتهاد و تغییر عمدی در یک فهرست نقلی پایه است.

۶. به‌طور کلی، ضعف سندی به دلیل مقطوع بودن و تفرد در طرق نقل و همچنین ضعف متنی در موارد اختلافی با سایر فهرست‌ها به دلیل اضطراب متنی و وجود مخالف، باعث می‌شود این فهرست حداقل در مورد جایگذاری‌های خاص (حمد، مأثده و ترتیب آل عمران-انفال) اعتبار کافی نداشته باشد.

بررسی سایر فهرست‌های نقلی، تبارشناسی، اعتبارسنجی و مبنایابی آن‌ها در پژوهشی مشابه نوشتار حاضر و در مجموعه‌ای کامل می‌تواند به فهم ماهیت و وثاقت فهرست‌های روایی و کشف ترتیب اصیل سور قرآن کریم کمک کند.

فهرست منابع

۱. ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد. (۱۴۱۴ق). المصنف. بی‌جا: دارالفکر.
۲. ابن العربی، ابوبکر. (۱۴۲۷ق). النسخ والمنسوخ فی القرآن الکریم. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳. ابن العربی، ابوبکر. (۱۴۱۳ق). النسخ والمنسوخ فی القرآن الکریم، (تحقیق عبدالکبیر العلوی المدغری)، مکتبة الثقافة الدینیة.
۴. ابن الندیم، محمد بن اسحاق. (۱۴۱۷ق). الفهرست، (تحقیق ابراهیم رمضان). بیروت: دار المعرفه.
۵. ابن سعد، محمد. (۱۴۱۰ق). الطبقات الکبری، (تحقیق محمد عبدالقادر عطا). بیروت: دار الکتب العلمیه.
۶. ابن ضریس، محمد بن ایوب. (۱۴۰۸ق). فضائل القرآن وما أنزل من القرآن بمکة وما أنزل بالمدينة، (تحقیق غزوه بدیر). دمشق: دار الفکر.
۷. ابن عاشور، محمد الطاهر. (بی‌تا). التحریر والتنویر. بی‌جا: دار سحنون.
۸. اسنوی، عبدالرحیم بن حسن. (۱۴۲۲ق). طبقات الشافعیة. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۹. اقبال، ابراهیم؛ فقهی‌زاده، عبدالهادی. (۱۳۹۴ش). تاریخ گذاری سوره حج. پژوهش‌های قرآنی، ۲۰(۷۶)، ۱۱۲-۱۳۹.
۱۰. آل‌غازی، عبدالقادر ملاحویش. (۱۳۸۲ق). بیان المعانی علی حسب ترتیب النزول. دمشق: مطبعة الترقی.
۱۱. آلوسی، محمود شهاب‌الدین. (بی‌تا). روح المعانی. بی‌جا: دار إحياء التراث العربی.

۱۲. بخاری، محمد بن اسماعیل. (بی تا). التاريخ الكبير. بيروت: دار الكتب العلمية.
۱۳. بقاعی، ابراهیم بن عمر. (۱۴۰۸ق). مصادد النظر للإشراف على مقاصد السور، (تحقیق عبدالسمیع محمد احمد حسنین). ریاض: مكتبة المعارف.
۱۴. بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۹۵۹م). أنساب الأشراف، (تحقیق محمد حمید الله). مصر: دار المعارف.
۱۵. بلاشر، رژی. (۱۳۷۶ش). در آستانه قرآن، (ترجمه محمود رامیار). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۶. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین. (۱۴۰۵ق). دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشريعة، (تحقیق عبدالمعطی قلجی). بیروت: دار الكتب العلمية.
۱۷. پایگاه جامعه النجاج. المخطوطات. manuscripts.najah.edu
۱۸. پهلوان، منصور؛ حیدری مزرعه آخوند، محمدعلی؛ اشتری رکن آباد، محمدرضا. (۱۳۹۷ش). کاوشی در پدیده تکرار و تعدد نزول، آموزه های قرآنی، ۱۵(۲۷)، ۲۱۱-۲۳۶.
۱۹. جدی، حسین؛ اقبال، ابراهیم. (۱۳۹۶ش). درنگی در مکی یا مدنی بودن سورة عادیات، پژوهش های قرآنی، ۲۲(۸۵)، ۵۴-۸۳. <https://doi.org/10.22081/jqr.2017.47077.1488>
۲۰. الجرمی، ابراهیم محمد. (۱۴۲۲ق). معجم علوم القرآن. دمشق: دار القلم.
۲۱. جعبری، ابراهیم بن عمر. (۲۰۰۵م). حسن المدد فی فن العدد، (تحقیق جمال بن السید الشایب) غزة مصر: مكتبة اولاد الشيخ للتراث.
۲۲. جعبری، ابراهیم بن عمر. (۱۴۳۱ق). حسن المدد فی معرفة فن العدد، (تحقیق بشیر بن حسن الحمیری). مدینه منوره: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف.
۲۳. جفری، آرتور. (۱۳۹۲ق). مقدمتان لعلوم القرآن-المبانی لنظم المعانی، (مصحح عبدالله صاوی). قاهره: مكتبة الخانجي.
۲۴. حسانى، عیدالله بن عبدالله. (۱۴۱۱ق). شواهد التنزیل لقواعد التزیل، (تحقیق محمدباقر محمودی). تهران: وزارة الثقافة والارشاد الاسلامی.
۲۵. خطیب بغدادی، احمد بن علی. (۱۴۱۷ق). تاریخ بغداد أو مدینة السلام، (تحقیق مصطفی عطا). بیروت: دار الكتب العلمية.
۲۶. دانی، عثمان بن سعید. (۲۰۱۱م). البیان فی عد آی القرآن، (تحقیق فرغلی سید عرباوی). بیروت: دار الكتب العلمية.
۲۷. ذهبی، محمد بن احمد. (۱۴۲۲ق). سیر أعلام النبلاء. بی جا: مؤسسة الرسالة.
۲۸. رامیار، محمود. (۱۳۸۴ش). تاریخ قرآن، تهران: امیرکبیر.
۲۹. ربانی، محمد شفاعت. (بی تا). المکی والمدنی فی القرآن، بی جا: بی نا.
۳۰. سلطانی رنانی، محمد. (۱۴۰۲ش). تفسیر افان. اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد اصفهان.
۳۱. سلمان زاده، جواد. (۱۳۹۹ش). روش کشف ترتیب نزول با تمرکز بر اخبار ترتیب نزول، پژوهش نامه

- معارف قرآنی، ۱۱(۴۰)، ۱۰۷-۱۲۸. <https://doi.org/10.22054/rjqk.2020.49912.2022>
۳۲. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر. (۱۴۲۱ق). الإیتقان فی علوم القرآن، (تحقیق فواز احمد زمزلی). بیروت: دار الکتب العربی.
۳۳. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر. (۱۹۶۷م). الإیتقان فی علوم القرآن، (تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم). قاهره: مکتبه و مطبعة المشهد الحسینی.
۳۴. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر. (۱۴۲۶ق). الإیتقان فی علوم القرآن، (تحقیق مرکز الدراسات القرآنیه). مدینه منوره: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف.
۳۵. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر. (۱۸۵۲م). الإیتقان فی علوم القرآن، (تصحیح محمد سدیدالدین خان و محمد بشیرالدین)، کلکته هند: BAPTIST MISSION PRESS.
۳۶. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر. (۲۰۰۰م). ترتیب سور القرآن. بیروت: دار و مکتبه الهلال.
۳۷. الصدفی، ابن یونس عبدالرحمن بن احمد. (۱۴۲۱ق). تاریخ ابن یونس المصری. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۸. ضیایی، علی اکبر. (۱۳۹۰ش). تاریخ و اعتقادات اباضیه. قم: نشر ادیان.
۳۹. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، (تصحیح فضل الله یزدی طباطبائی). تهران: ناصر خسرو.
۴۰. عاصمی، احمد بن محمد. (۱۴۱۸ق). العسل المصفی من تهذیب زین الفتی فی شرح سورة هل أتى، (تصحیح و ویرایش محمدباقر محمودی)، قم: مجمع احیای فرهنگ اسلامی.
۴۱. عسقلانی، ابن حجر احمد بن علی. (۱۳۹۲ق). الدرر الكامنة فی أعیان المائة الثامنة، (تحقیق محمد عبدالمعید ضان). هند، حیدرآباد، مجلس دائرة المعارف العثمانیه، ۱۳۹۲ق.
۴۲. کلباسی، زهرا؛ احمدنژاد، امیر. (۱۳۹۴ش). آخرین نزول؛ مانده یا توبه؟ رهیافتی جدید به مسأله آخرین سورة نازل شده قرآن کریم. پژوهش‌های قرآنی، ۲۰(۷۶)، ۸۶-۱۱۱.
۴۳. کلباسی، زهرا؛ احمدنژاد، امیر. (۱۴۰۰ش). بازخوانی نقش مقاتل بن سلیمان در شکل‌گیری آیات مسـئـنـا، پژوهش‌های قرآنی و حدیث، ۵۴(۲)، ۴۴۷-۴۶۵.
- <https://doi.org/10.22059/jqst.2022.328812.669795>
۴۴. مسعودی، عبدالهادی. (۱۳۸۹ش). آسیب‌شناخت حدیث، قم: انتشارات زائر.
۴۵. معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۸ش). التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
۴۶. نزال، عمران سمیح. (۱۴۲۷ق). الوحدة التاريخية للسور القرآنیه. دمشق - عمان: دار القراء - دار قتیبه.
۴۷. نزال، عمران سمیح؛ شکری، احمد خالد. (۱۴۲۳ق). علم تاریخ نزول آیات القرآن و سوره. عمان: المؤلفین.
۴۸. نکونام، جعفر. (۱۳۷۳ش). بررسی ترتیب نزول قرآن در روایات (پژوهشی در ترتیب روایی قرآن کریم). رساله دکتری، (استاد راهنما: سید محمدباقر حجتی). تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

۴۹. نکنونام، جعفر. (۱۳۸۰ش). درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن. تهران: نشر هستی‌نما.
۵۰. یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب. (بی‌تا). تاریخ‌الیعقوبی. بیروت: دار صادر.
51. Noldeke, Theodor, and others. (2013). *The History of The Quran*, (Edited and Translated by: Wolfgang H.Behn). Boston, Leiden.
52. Neal, Robinson. (2003). *Discovering the Qur'an- A Contemporary Approach to a Veiled Text*, (second edition). London: scm press,

نسخ خطی

۵۳. اندرایی، احمد بن ابی‌عمر: الإيضاح فی القراءات العشر، تصویر تک‌نسخه خطی استانبول.
۵۴. جعبری، ابراهیم بن عمر: قصیده تقریب المأمول فی ترتیب النزول، نسخه خطی.
۵۵. سیوطی: الاتقان، نسخه خطی اول، تاریخ کتابت: ۸۸۵ق، نابلس، مخطوطات جامعة النجاح.
۵۶. سیوطی: الاتقان، نسخه خطی پنجم، تاریخ کتابت: ۱۲۸۶، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
۵۷. سیوطی: الاتقان، نسخه خطی چهارم، تاریخ کتابت: قبل از ۱۸۰۰م، واشنگتن دی‌سی، کتابخانه کنگره.
۵۸. سیوطی: الاتقان، نسخه خطی دوم، تاریخ کتابت: ۹۶۷ق، اصفهان، موزه نسخ خطی دانشگاه اصفهان.
۵۹. سیوطی: الاتقان، نسخه خطی سوم، تاریخ کتابت: -، قاهره، مخطوطات جامعة الازهر.
۶۰. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم: مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار، تهران، مرکز انتشار نسخ خطی - با همکاری کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۸.
۶۱. العاصمی، احمد بن محمد: زین الفتی فی شرح سورة هل أتى، تاریخ کتابت: احتمالاً ۱۱۱۴.
۶۲. الکیال، ابوالعباس: عدد آی القرآن علی مذهب أهل البصره، تاریخ کتابت: قرن ۹ یا ۱۰، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
۶۳. المبانی لنظم المعانی، تصویر تک‌نسخه خطی برلین.